

تاثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی پدیده مجرمانه

بیژن نجفی^۱، قباد نادری^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور.

نام نویسنده مسئول:

بیژن نجفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۳

چکیده

قلب و کلاهبرداری^۱، آزار و مزاحمت^۲، اعمال منافعی عفت^۳، خیانت در امانت^۴، توهین^۵ و افتراء^۶ و بسیاری از جرایمی که به طور مشخص عضو مجموعه حقوق جزای اختصاصی به حساب می‌آیند، دارای دو جنبه انکارناپذیر هستند. اول این که این رفتارهای مجرمانه مخل نظم عمومی هستند و ثانیاً این که رفتاری خلاف در جامعه به وقوع پیوسته است. وقوع رفتارهای مغایر با عفت و اخلاق عمومی در هر اجتماع امری مسلم و انکارناپذیر است. آنچه در این میان به نظر مهم می‌رسد، نوع واکنش^۷ اتخاذ شده از سوی حکومت در قبال رفتارهای نامبرده است. جرم قلمداد کردن رفتارهای مجرمانه^۸ به دلیل مغایرت آنها با آرمان‌های اخلاقی نیست بلکه فقط برای حمایت از نظم عمومی جرم انکاری شده‌اند. ولی در همین ابتدا باید گفت که در میان فلاسفه حقوق، هستند کسانی که پیرو نظریه شخصی در نظم عمومی‌اند. این نظریه به معنای وحدت اخلاق و نظم عمومی است. اینان گاهی نظم عمومی را نظم اخلاقی یا معنوی نامیده‌اند. حتی اگر بر خلاف نظریه پیش گفته به وحدت نظم عمومی و اخلاق باور نداریم، ولی بی تردید نمی‌توانیم به وابستگی شدید حقوق کیفری و اخلاق بی توجه باشیم. بعضی از حقوقدانان معاصر مهم‌ترین وابستگی حقوق جزا را به علوم انسانی مربوط به علم اخلاق می‌دانند. به هر حال کی از مسائل مهم در حوزه رابطه اخلاق و سیاست جنایی، بحث پیرامون اخلاق اعمال کیفر است. همانند سیاست عمومی، در سیاست جنایی نیز کم‌ابیش شاهد رویه‌ها و رویکردهایی هستیم که در آنها هر هدفی، توسل به ابزار کیفر را توجیه می‌کند در این مقاله سعی شده است تاثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی پدیده مجرمانه بررسی شود.

واژگان کلیدی: اخلاق، جرم انگاری، پدیده مجرمانه، جرم زدایی.

مقدمه

گاه عدول از مقررات اخلاقی واکنش خفیف اجتماعی را به دنبال دارد که معمولاً با نکوهش، سرزنش و توبیخ‌های اخلاقی خفیفی همچون بی‌اعتنایی همراه است، اما اگر به دلیل اهمیت برخی از مقررات اخلاقی، عکس‌العمل شدید باشد مجازات یا اقدام‌های تأمینی پاسخگوی عمل ضد اخلاقی^۹ است که عنوان جرم می‌گیرد. اگر همانند برخی حقوقدانان نخواهیم مجازات‌ها را فقط ضمانت اجرای اخلاقیات بدانیم ولی بی‌تردید در کنار ضرورت‌هایی که مقنن را به وضع قوانینی مورد نیاز اجتماع وا می‌دارد، باید پذیرفت که بسیاری دیگر از قوانین وضع شده برای جلوگیری از گسترش رفتارهای غیر اخلاقی است پس به طور اختصار در مورد مفهوم پدیده مجرمانه و نسبت آن با اخلاق می‌توان گفت هر چند رایج‌ترین تعریف از جرم، در نسبت با کنش‌های مخالف نظم اجتماعی صورت می‌پذیرد ولی با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت همین مفهوم نظم اجتماعی بی‌تردید بدون توجه به گرایش‌های اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست. در واقع رفتارهای مخدوش ۱۰ کننده نظم اجتماعی همان رفتارهایی هستند که وجدان عموم افراد اجتماع را جریحه دار می‌کنند و به این وسیله آرامش و چارچوب امنیت بخش آن را از حالت تعادل و استقرار خارج می‌کنند. بی‌تردید این اهمیت و نفوذ اخلاق است که رفتارهای خلاف آن را در زمره برهم‌زنندگان تعادل و استقرار قرار می‌دهد. به عبارت دیگر اساساً باید نظم اجتماعی را همان مجموعه باورهای عمومیته یافته اخلاقی اجتماع بدانیم که در حالت استقرار قرار دارد. پس با این مقدمات می‌توان گفت اساساً مفهوم جرم که بنیادی‌ترین مفهوم حقوق کیفری است براساس رفتارهای غیر اخلاقی شکل می‌گیرد. گاهی نگاه صرف جامعه‌شناسانه اخلاق را به صرف رفتارهای پذیرفته شده‌ی اجتماعی و نفوذ یافته تقلیل می‌دهد. به بیان دیگر هر آنچه را که عموم می‌پسندد و عقاید عمومی می‌پذیرد صرف نظر از آرمانها و اعتقادات مذهبی، اخلاق است. جرم زدایی و جرم‌انگاری یکی از مسایل اساسی و پایه‌ای حقوق کیفری ماست بصورتی که اگر جرم‌انگاری رخ ندهد جرمی نیست و به تبع آن حقوق کیفری به وجود نمی‌آید.

حقوقدانان معاصر مهم‌ترین وابستگی حقوق ج را به علوم انسانی را مربوط به علم اخلاق می‌دانند. گاه رعایت نکردن مقررات اخلاقی واکنش خفیف اجتماعی را به دنبال دارد که به طور معمول با نکوهش^{۱۱}، سرزنش و توبیخ‌های اخلاقی خفیفی همچون بی‌اعتنایی همراه است، اما اگر به دلیل اهمیت برخی از مقررات اخلاقی، عکس‌العمل شدید باشد مجازات یا اقدام‌های تأمینی پاسخگوی عمل ضد اخلاقی است که عنوان جرم می‌گیرد.

اگر همانند برخی حقوقدانان نخواهیم مجازات‌ها را فقط ضمانت اجرای اخلاقیات بدانیم بی‌تردید در کنار ضرورت‌هایی که قانون‌گذار^{۱۲} را وا میدارد تا قوانینی مورد نیاز اجتماع وضع کند، باید پذیرفت که بسیاری از قوانین وضع شده‌ی دیگر برای جلوگیری از گسترش رفتارهای غیر اخلاقی است. پس به طور اختصار در مورد مفهوم پدیده مجرمانه و نسبت آن با اخلاق می‌توان گفت هر چند رایج‌ترین تعریف از جرم، نسبت به کنش‌های مخالف نظم اجتماعی انجام می‌شود اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان گفت بی‌تردید همین مفهوم نظم اجتماعی بدون توجه به گرایش‌های اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست، استاد مطهری اخلاق را عبارت از علم زیستن یا علم مطهری می‌توان گفت شیوه‌ی بهتر زیستن را در علم اخلاق می‌دانست. به عبارت دیگر آنگونه که متفکران دیگر گفته اند علمی است که با آن راه دستیابی به سعادت و یا نجات نفس به دست می‌آید(۱).

ادبیات نظری

۱- مفهوم حقوق کیفری

قسمتی از مفهوم حقوق کیفری به گذشته باز می‌گردد و قسمتی از آن به حقوق کیفری بعد از آن که از به عنوان حقوق کیفری مدرن یاد می‌شود. که در این مبحث قسمت اخیر مد نظر است. محققان در مورد ابتدای شکل‌گیری حقوق کیفری مدرن اتفاق نظر ندارند. در واقع، آنچه که به عقیده برخی ابتدای دوران حقوق کیفری مدرن محسوب می‌شود به اعتقاد برخی دیگر در قلمرو حقوق کیفری کلاسیک قرار دارد و برعکس. بنابراین، به نظر می‌رسد بین حقوق کیفری کلاسیک و حقوق کیفری مدرن دورانی وجود دارد که همزمان می‌توان آن را کلاسیک یا مدرن در نظر گرفت، هر چند آموزه‌های حقوق کیفری کلاسیک هیچ‌گاه به طور کامل از حقوق کیفری مدرن تفکیک نگردیده‌اند و حتی امروزه نیز می‌توان نشانه‌هایی از نفوذ

این آموزه‌ها را در قوانین و نوشتگان حقوق کیفری مشاهده کرد. با وجود این، یکی از حقوقدانان فرانسوی، اواسط قرن نوزدهم را آغاز شکل‌گیری حقوق کیفری مدرن ۱۳ دانسته است (۲) به عقیده او تا پیش از این تاریخ تحول حقوق کیفری ساده و بسیط بوده است، اما بعد از این تاریخ و تحت تأثیر عوامل سه‌گانه‌ای پیچیده شده است. این عوامل عبارتند از: تنوع مفاهیم نظری زیربنای مجازات کیفری، تولد مفهوم و اندیشه سیاست جنایی و وجود فاصله زمانی در گذار از مرحله تحول به مرحله تأثیر بر قانونگذاری (۲) برخی دیگر، تصویب قانون جزایی ۱۸۱۰ فرانسه را نقطه آغاز شکل‌گیری حقوق کیفری مدرن دانسته‌اند. از نظر ایشان، آموزه‌های جدیدی که در این قانون وارد شد به تدریج بر اندیشه‌های حقوقی سراسر جهان تأثیر گذاشت و لذا نمی‌توان تأثیر این قانون بر شکل‌گیری حقوق کیفری مدرن را نادیده گرفت (۳) عده‌ای دیگر، ظهور حقوق کیفری مدرن را با پیدایش مکتب نئوکلاسیک قرن نوزدهم همزمان می‌دانند (۴).

با این همه، اگر در مبانی، آموزه‌ها و اهداف حقوق کیفری کلاسیک دقت کنیم خواهیم دید که بخش عمده‌ای از تحولات قرن نوزدهم در قلمرو حقوق کیفری کلاسیک قرار دارد. حقوق کیفری کلاسیک به عنوان انگاره‌ای که در میان واکنش‌های اجتماعی علیه جرم، همزمان طرفدار رویکرد فایده‌گرایی و سزاگرایی می‌باشد، ریشه در اندیشه‌های بکار، بنام و فوئرباخ دارد و هدف آن حمایت از شهروندان در برابر خودسری قضات از یک سو، و مجازات هرگونه سوء استفاده از آزادیهای فردی از سوی دیگر می‌باشد.

۲- مفهوم اخلاق

در لغتنامه دهخدا، مقابل واژه‌ی اخلاق چنین آمده است: جمع خُلق، خوی‌ها، دانش‌پيوندی خویش‌ها (۵) خلاق در اصل واژه‌ای عربی بوده و مفرد آن می‌باشد و در لغتنامه به معنای سرشت و سجیه به‌کار رفته است؛ اعم از این که خُلق سجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد یا زشت و ناپسند در مفهوم اصطلاحی، تعاریف متنوعی از این واژه ارائه شده است که در زیر به چند مورد از آن اشاره می‌شود.

مقصود از اخلاق عمومی مجموعه معیارها و ارزش‌های اخلاقی است که با هدف تعیین خط مشی کلی رفتارهای افراد تنظیم می‌شود. به عبارت دیگر مجموعی از عقاید جاری در جامعه درباره‌ی منش و رفتار اعضای آن است نه اینکه افراد آن اجتماع چه رفتار و منشی باید داشته باشند (۶) به عبارت دیگر، در اینجا نگاه، نگاهی توصیفی می‌باشد، حال آنکه در اخلاق حسنه این نگاه جنبه‌ی عقلانی می‌یابد. زیرا اخلاق حسنه در هر جامعه، ترکیبی است از رسوم اجتماعی، تعلیم‌های مذهبی و داوری‌های عقلی که تشکیل دهنده‌ی وجدان عمومی است. پس، از این استدلال نتیجه می‌گیریم که بر خلاف اخلاق حسنه در اخلاق عمومی الزاماً تعلیم مذهبی و داوری‌های عقلانی دخالت ندارد و اخلاق حسنه همان اصول اخلاقی مقبول عقلانی جامعه است. کاتوزیان اخلاق را مجموعه قواعدی تلقی می‌کند که رعایت آن‌ها لازمه‌ی نیکوکاری و رسیدن به کمال است. وی اعتقاد دارد که احترام به این قواعد ریشه در ضمیر و نهاد آدمی دارد و بدون نیاز به دخالت دولت، انسان در وجدان خویش آن‌ها را محترم می‌داند.

۳- رابطه مفهوم اخلاق با مجازات

اعمالی که انسان انجام می‌دهد اگر مخالف اخلاق، وجدان، عدالت و قانون باشد، جزای آن با سرزنش، نکوهش، تنبیه، تأدیب و مجازات همراه خواهد بود. بحث بر سر منشأ پیدایش قوانین کیفری و دلایل وضع مجازات‌هاست.

در واقع می‌خواهیم بدانیم چرا بشر برای برخی رفتارها مجازات تعیین کرده است و آیا این اقدام با گرایش‌های اخلاقی او متناسب است؟ برخی حقوقدانان در پاسخ به این سؤال مستقیماً به مقوله اخلاق اشاره کرده‌اند. پروفیسور گارو درباره موجبات پیدایش قوانین کیفری می‌گوید:

دو عامل موجب پیدایش قوانین کیفری و مسئولیت گردیده است: اول عامل اخلاقی که راهنمای بشر است و دوم آزادی بشر برای تنظیم اعمال و رفتار خود با این عامل اخلاقی. در واقع در بین مباحث مختلفی که در حوزه اهداف مجازات‌ها مطرح است (۷) هدف اخلاقی بسیار مورد توجه است. در این میان شاید ایمانوئل کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمان بیشتر به این موضوع

پرداخته باشد. مکتب عدالت آرمانی ۱۴ یا عدالت مطلق ۱۵ در واقع بحث درباره نسبت رفتارهای غیر اخلاقی و مجازات‌هاست. کانت معتقد است عدالت و اخلاق ایجاب می‌کند که بزهکار کیفر ببیند. از طرفی «ژوزف دو مستر» نیز برای جنبه اخلاقی مجازات نهایت اهمیت را قائل بوده است. برخی حقوقدانان معاصر هم معتقدند در شرایط فعلی نیز این هدف هرگز از نظر مقنن بدور نبوده است و به همین جهت هرچه جنبه ضد اخلاقی جرم بیشتر باشد، مجازات تعیین شده شدیدتر است. مثلاً در جرائم بر ضد اخلاق و عفت عمومی چون جرم زنا یا به عنف با محارم دارای بار ضد اخلاقی شدیدتری است، لذا مقنن هم مجازات شدیدتری برای آن در نظر گرفته است. (۷) ویژگی‌های مجازات را برخی وجوه ارعابی، آزار دهنده‌گی، تحقیر آمیز بودن و البته جبرانی آن دانسته‌اند. اینکه مجازات دقیقاً باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد بسته به این است که ما از چه مکتب انسان‌شناختی پیروی می‌کنیم. به طور مثال هنگامی که مجرم را شخصی می‌دانیم که با محاسبه‌گری به دنبال تحقق آرزوهای خویش و در مسیر به دست آوردن اهدافش مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌گردد طبیعتاً بر اراده آزاد و اختیار او صحنه گذاشته ایم و آنگاه با مجازات بدنبال ترساندن او و بالا بردن هزینه دستیابی به اهداف نامشروعش خواهیم بود. به هر تقدیر حقوقدانان جنبه‌های تحقیر آمیز مجازات‌ها را از آن رو مورد توجه قرار داده‌اند که حریم جامعه را در قبال عدم رعایت تقدس آن از طرف مجرمان محافظت ۱۶ کرده باشند. بدیهی است بدون توجه به ارزشمندی و قداست اخلاقیات نمی‌توان تصور کرد برای فرد مجرم در قبال مجازات‌ها تحقیری ایجاد می‌شود. در واقع مجرمین از آن حیث که خود خوب به ارزش‌های اخلاقی آشنا هستند و آگاهانه آنها را نقض کرده‌اند مستوجب مجازاتند.

۴- مفهوم جرم انگاری

جرم انگاری یا جرم تلقی کردن قانونی یک فعل یا ترک فعل، فرایندی است که به وسیله آن، رفتارهای جدیدی به موجب قوانین کیفری، مشمول قانون جزا واقع می‌شود" (۸) قبل از واکاوی مفهوم جرم انگاری بهتر است در ابتدا با مفهوم جرم آشنا شویم. جرم از مفاهیم انتزاعی و پیچیده بوده و بیشتر علوم انسانی سعی در شناخت واقعی آن داشته و دارند. تعریف این واژه متأثر از روش بحثی است که در رشته‌ی مربوط اتخاذ می‌شود همین امر موجب می‌شود تعاریف ارایه شده در این باره تنوع زیادی داشته باشد. به طور مثال جرم در معنای حقوقی فعل یا ترک فعلی است که قانون گذار برای آن مجازات تعیین کرده است.

دردانش جرم‌شناسی، جرم برای اشاره به رفتاری به کار می‌رود که سرشتی نامطلوب در چارچوب نظام کیفری دارد. این مفهوم گاه به رفتاری گفته می‌شود که به شدت نامطلوب است اما گاه چنین نیست. از آنجا که هنجار یا نابهنجار بودن رفتارها و توجه به علائق، وابستگی‌ها، جهان بینی خاص افراد و جوامع در زمانهای مختلف تفاوت دارد، از اینرو به نیز مفهومی غیرقطعی و متغیر می‌بخشد به این ترتیب بین مفهوم جرم از منظر حقوق و جرم انگاری ارتباط لازم و ملزومی وجود دارد. جرم انگاری ملزوم و جرم لازم آن است. مبدأ و منشأ پیدایش جرم همین فرایند جرم انگاری می‌باشد، فرایندی که به موجب آن قانون گذار با در نظر گرفتن هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد قبول خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع کرده و برای ضمانت اجرای کیفری وضع می‌کند. (۹) این ضمانت اجرا پاسخ رسمی دولت به پدیده‌ی مجرمانه بوده و از رهگذر قواعد حقوق کیفری اعمال شده و شدیدترین مداخله در قلمرو آزادی‌های شخصی محسوب می‌شود.

جرم انگاری فرآیندی است گزینشی که طی آن اعمال را به عنوان رفتار مجرمانه معرفی و برای آنها مجازات در نظر گرفته می‌شود قانونگذار با یک سیاست جنایی تقنینی با اعتقاد به لزوم حداکثر آزادی فردی و اجتماعی اقدام به جرم انگاری می‌کند. (۱۰) در نظام کیفری اسلام نیز جرم انگاری اعمال مجرمانه مبنای احکام تکلیفی صورت می‌گیرد.

۵- مفهوم پدیده مجرمانه

پدیده مجرمانه که دارای یک مفهوم مبنی و اجتماعی است، رفتاری تلقی می‌شود که حالات قوی و مشخص وجدان جمعی را جریحه‌دار کند قانونگذار با تقید به فرهنگ و آداب و رسوم و نیز ملاحظات سیاسی، ایدئولوژیک با اقتصاد اقدام به جرم انگاری اعمال مجرمانه می‌کند.

۶- تاثیر اخلاقیات و شرعیات در قوانین

در واقع مهمترین دشواری کشف مبانی جرم انگاری رفتارها در حقوق ایران این است که محقق در بسیاری از موارد، به جای تفحص پیرامون اراده‌ی قانون گذار ایران، باید به جست و جوی مبانی مدنظر شارع مقدس بپردازد. مثلاً در حدود قصاص دیات و سایر مجازات‌های شرعی. "تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی میباشد." در تعریف یادشده، قانون گذار با توجه به وجود اصطلاح تعزیرات حکومتی در نظام حقوقی امروزی ایران، با افزودن قید شرعی به واژه‌ی تعزیرات تلاش کرده است تا این دو مفهوم را از یکدیگر تفکیک کند. به علاوه، قانون گذار در این ماده تعزیر را برای ارتکاب هر فعل حرام یا ترک هر واجبی قابل اعمال دانسته و بدین ترتیب خود را در پرتگاه خارج شدن از اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها قرار داده است هر چند میتوان عبارت پایانی تبصره‌ی یادشده را به گونه‌ای تفسیر کرد که تعزیرات منحصر در موارد مصرح در قانون مجازات اسلامی شناخته شود. در واقع قانون گذار در تبصره‌ی یادشده، نه تنها به اصل قابل مجازات بودن رفتارهای حرامی که در قانون جرم‌انگاری شده اند کم توجه بوده است، بلکه تعزیر را در گسترده‌ترین معنای آن نیز در نظر گرفته و به قابل تعزیر ۱۷ بودن گناهان کبیره نیز اکتفا نکرده است. تعاریف یادشده از تعزیر، از این نظر که کم و کیف کیفیها را نامعین ۱۸ گذاشته است، مغایر با اصل قانونی بودن مجازات‌ها نیز دانسته شده است (۱۱) مجازات‌های باز دارنده را در کنار مجازات‌های تعزیری قابل تخفیف دانسته است. طبق این ماده دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری یا باز دارنده را تخفیف دهد یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری کند که مناسب‌تر به حال متهم باشد. جهات مخففه عبارتند از: اوضاع واحوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است، از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز ۱۹ مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم. تصریح در مواد قانونی به این که وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم باعث تخفیف مجازات اوست نشان دهنده تأثیر رفتارها و نیت اخلاقی و غیر اخلاقی در تعیین محدوده مجازات‌ها است.

۷- تاثیر اخلاق در اعمال مجازات

اصل شخصی کردن مجازات‌ها که به دخالت دادن ویژگی‌های شخصی مجرم در تعیین مجازات‌ها مربوط است در واقع ارتباط وثیقی با بحث رفتارها و نیت غیر اخلاقی دارد. هر چند بعضی حقوقدانان منکر عنصر روانی جرم هستند و به نوعی عناصر سه گانه تشکیل دهنده پدیده مجرمانه را به دو عنصر مادی و قانونی تقلیل می‌دهند و به مسئولیت کیفری مطلق نظیر جرایم مادی صرف معتقد هستند. ولی دیگر حقوقدانان اساساً حضور عنصر روانی در عملی کردن اصل شخصی کردن مجازات‌ها را دخیل می‌دانند. بی تردید بررسی عنصر روانی مجرم در تعیین مجازات‌هایی که حدود نامعینی دارند اهمیت دارد. هر چند تصلب قانونی حقوق کیفری در بسیاری از موارد دست محاکم را در صدور آرا در چارچوب معینی محدود می‌کند و آنها مکلفند براساس مقررات و قواعد موجود و بدون توجه به حواشی شخصی به صدور رأی مبادرت کنند ولی در انواع خاصی از مجازات‌ها (همچون مجازات‌های تعزیری و باز دارنده در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران) بی تردید می‌توان نقش نیت اخلاقی و غیر اخلاقی را در تشکیل عنصر روانی و برای اجرای اصل شخصی کردن مجازات‌ها در نظر گرفت (۱۲).

از این گذشته آنچه تعیین حداقل یا حداکثر مجازات‌ها، تخفیف یا تشدید آن، برای آنها قائل شده است به همین ترتیب گفتنی است که حساسیت‌های اخلاقی باعث شده تاگاهی مجازات‌ها نسبت به اقشار خاصی از قربانیان شدت یا بالعکس کاهش پیدا کند.

نتیجه گیری

در مورد مفهوم پدیده مجرمانه و نسبت آن با اخلاق می‌توان گفت هر چند رایج ترین تعریف از جرم، در نسبت به کنش‌های مخالف نظم اجتماعی انجام می‌شود اما با نگاه دقیق تری می‌توان گفت همین مفهوم نظم اجتماعی بی‌تردید بدون توجه به گرایش‌های اخلاقی یک جامعه قابل اشاره نیست. مجازات‌های باز دارنده را در کنار مجازات‌های تعزیری قابل تخفیف دانسته است. طبق این ماده دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری یا باز دارنده را تخفیف دهد یا تبدیل

به مجازات از نوع دیگری کند که مناسب تر به حال متهم باشد. جهات مخففه عبارتند از: اوضاع واحوال خاصی که متهم تحت تأثیر آنها مرتکب جرم شده است، از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم. تصریح در مواد قانونی به این که وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم باعث تخفیف مجازات اوست نشان دهنده تأثیر رفتارها و نیت اخلاقی و غیر اخلاقی در تعیین محدوده مجازات‌ها است.

واژه نامه

Scam	کلاهبرداری
Harassment	مزاحمت
Acts of Chastity	اعمال منافی عفت
Malversation	خیانت در امانت
Insult	توهین
Defamation	افترا
Reaction	واکنش
Criminal	مجرمانه
Anti-morality	ضد اخلاق
Ruined	مخدوش
Condemn	نکوهش
The legislator	قانونگذار
Modern criminal law	حقوق کیفری مدرن
Aryan justice	عدالت ارمانی
Absolute Justice	عدالت مطلق
Protect	محافظت
Ta'zir	تعزیر
Indeterminate	نامعین
Provocative	تحریک آمیز

منابع و مراجع

- [۱] عثمان، عبدالکریم، (۱۳۶۱) روانشناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، ترجمه سید محمد باقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- [2] Rassat, M. L., (2014) Droit pénal général, 3^e éd. Paris, Ellipses.
- [3] Conte, P. et Maistre du Chambon, P., (2005). Droit pénal general, 7^e éd., Paris, Armand Colin.
- [4] Garé, T. et Ginestet, C. (2002). Droit pénal général et procédure pénale, Coll. «Hyper-Cours », 2^e éd. Paris, Dalloz,
- [۵] دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷) لغت نامه، جلد اول، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- [۶] آرتولد افاکینسون. (۱۳۷۰). درآمدی بر فلسفه اخلاق، ترجمه سهراب علوی نیا، مرکز ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- [۷] جعفری، مجتبی. (۱۳۹۴). مقدمه علم حقوق کیفری، چاپ نخست، انتشارات میزان.
- [۸] درخشان، حمید. (۱۳۸۶). انگاره های اقتصادی در قوانین، مجموعه مقالات کنفرانس مدیریت یارانه ها، دانشگاه امام صادق (ع). آقابابایی، حسین.
- [۹] (۱۳۸۴) گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت. ملت و دولت، مجله فقه و حقوق، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال دوم، شماره ۵۱۳۸۴.
- [10] Kelman, Mark. (1987). A guide to Critical legal studies, Harward University Press.
- [۱۱] اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۲) حقوق جزای عمومی، نشر میزان، تهران.
- [۱۲] حاجیده آبادی، احمد. (۱۳۸۹) قواعد فقه جزایی (حدود و تعزیرات، قصاص و دیات)، چاپ دوم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.